



۲۰۲۱/۰۱/۰۹



حامد نوید / تاریخ، بخش: آبدات تاریخی

منار چکری

یکی از آبدات بسیار پراهمیت در ولسوالی بگرامی یا حوزه تاریخی میان کابل و لوگر منار با اعظمت چکری بود که در نزدیکی خاک جبار در ۱۳ کیلومتری جنوب شهر از فراز کوتل شاخ برنتی در طی قرون متمادی از ارتفاع ۳۰۰ متر شهر باستانی کابل را فاتحانه میباید، اما در دهه هشتاد و نود، هنگامیکه بزرگترین صدمات بر پیکر آبدات تاریخی افغانستان در اثر جنگهای مدش و تباهن وارد آمد، این منار تاریخی هم بی امان نماند و مورد حملات ناشیانه توپ و تانک قرار گرفت، تا اینکه در یک شب تاریک در چهارم مارچ سال ۱۹۹۸ با صدای مهیبی بر زمین افتاد و منهدم گردید، در حالیکه نه بتی را تمثیل میکرد و نه پیکره ئی را. فردای آنروز روستائیان دیدند که چیزی جز از توده های سنگ و بخشی از بدنه آن از منار باستانی چکری باقی نمانده. گرچه تا هنوز هیچیک از گروه های مسلح سیاسی مسئولیت تخریب آنرا بدوش نگرفته، ولی در آنوقت حکومت مسنولی در افغانستان نبود تا به اعمار دوباره آن بپردازد. به اساس مطالعات تاریخی، بخصوص تحقیقات کریس ایم دور نیخ آلمانی که در اخیر دهه شصت به پژوهش های تاریخی در افغانستان مشغول بود، منار چکری یکی از آبدات مهم بودایی در حوزه فرهنگی کابل بشمار میرفت. قرار فرضیه اومنار چکری باید کهن تر از دوره کوشانی ها (سده دوم تا پنجم میلادی) بوده به دوره آشوکا شاه موریایی هند (قرن سوم ق.م) که به مذهب بودایی هنایانا (چرخ کوچک) معتقد بود تعلق داشته باشد. شاید دلیل ارائه این نظر شباهت عمومی منار چکری با مناره های یادگاری آشوکا پادشاه موریایی هند باشد که به دین بودایی شعبه هنایانا در سده سوم ق.م. گرویده بود، اما در میان ۱۹ مناریکه در سرتاسر هند از ادوار پارچا مانده و بنام منارهای آشوکا یاد میگردد سبکها و طرح های متفاوتی را مشاهده کرده میتوانیم که برخی قابل مقایسه با منار چکری بوده و برخی قابل مقایسه با آن نیستند. زیرا یکتعداد آنها از چوب تراش یافته که نمیتوان آنرا از نگاه کاربرد مواد ساختمانی همگون منار چکری خواند. در منار چکری شیوه سنکاری محلی متشکل از پارچه های هموار سنگ و تخته سنگهای بزرگ همراه با لایه های مواد چسباننده ساروج و جغل دیده میشود که این شیوه ساختمانی سبک خاص معماری دوره کوشانی ها بوده و در اکثر معابد اطراف کابل قابل تشخیص میباشد. ازینرو احتمال اینکه این منار قطور در دوره زاماداری کوشانی ها آباد گردیده باشد بیشتر است. اکثر تاریخنگاران به این عقیده اند که منار چکری بخشی از معابد و آبادی هایست که در فاصله میان ولسوالی بگرامی کنونی در جنوب کابل و ساحه تاریخی بگرام در شمال کابل اعمار گردیده بودند و این منار مرتفع در بلندی های شاخ برنتی انظار تاجران و زائرینی را که از نگار اوپهارا (جلال آباد) از طریق کوتل لته بند به کابورا (کابل آنوقت) می آمدند و بسوی کوه دامن و پروان ره میبستند جلب مینموده است. از قرار معلوم این مناره مرتفع در زمان زاماداری یفتلی ها و کابل شاهان پا برجا بوده و بخصوص مورد دلچسپی و حرمت بزرگانان هندی قرار داشت. ازینرو امکان دارد که منار چکری با الهام از منارهای آشوکا اعمار گردیده باشد، اما با این تفاوت که در آن سبک ساختمانی بخصوص حوزه مدنی کابل و ذوق معماران محلی چنانچه در شیوه ساختمانی معابد مس عینک، ستوپه های گلدره و شیوه کی و نیایشگاه تپه اسکندر در شمال کابل دیده میشود هویدا و مشخص میباشد. چنانچه از یادشهای نویسنگان برتانیوی از جمله الکساندر برنس و چارلس میسن برمی آید سبک سنکاری تزئینی منار چکری از شیوه خاصی برخوردار بوده است. این سکیچ که در قرن نهم توسط انگلیسها تهیه گردیده و در کتاب آریانای باستان Ariana Antiqua نوشته چارلس میسن و هوراس هیمن ولسن در سال ۱۸۴۱ به چاپ رسیده، چگونگی ساختمان منار چکری را به شکل بهتر نشان میدهد.

از جانب دیگر اکثر مناره های آشوکا در هند با مجسمه شیر های سه گانه مزین بودند که در رأس منار به نمایش گذاشت میشود. این قسمت عموماً با نقش نیم برجسته چرخ دهارما Dharma و سه حیوان دیگر، یعنی اسب، نرگاو و فیل آراسته میشود. این آفرینش هنری تا هنوز مورد احترام مردم و نشان ملی هندوستان است.

باستانشناسان معتقد اند که چنین پیکره ای در بخش بالایی منار چکری وجود نداشته و در عوض از روی خشت پاره ها و سنگریزه های بجا مانده درین بخش به این نتیجه رسیده بودند که شاید ساختمانی به شکل چتری از گلبرگهای نیلوفر بر فراز این مناره بلند وجود داشته که در اثر حوادث روزگار ازین رفته، و یا شاید با چرخ بزرگی که مظهر شعبه مهائانا در آئین بودایی مروج در افغانستان بود تزئین یافته و چون تاجی در رأس این مناره قرار داشته است. از همینرو تا کنون بنام منار چکری یاد میگردد.

چکره در زبان سانسکریت معنی چرخ را میدهد و به اساس فلسفه بودیزیم و هندوئیزیم کلمه دهارما Dharma معنی چرخ حیات را نیز ارائه میدارد. بدین معنی که چرخ حیات، و کائنات همواره در حال گردش است و به اساس قانون طبیعت اعمال نیک و بد انسانی دو باره به آدمی برگشتنیست. در بخش اخلاقیات سرودهای ویدی اصطلاح «رتا» قانون حقیقت را شرح میدارد و «کارما Karma» «قانون عمل و عکس العمل را بیان میکند. یعنی هر بدکنشی و یا

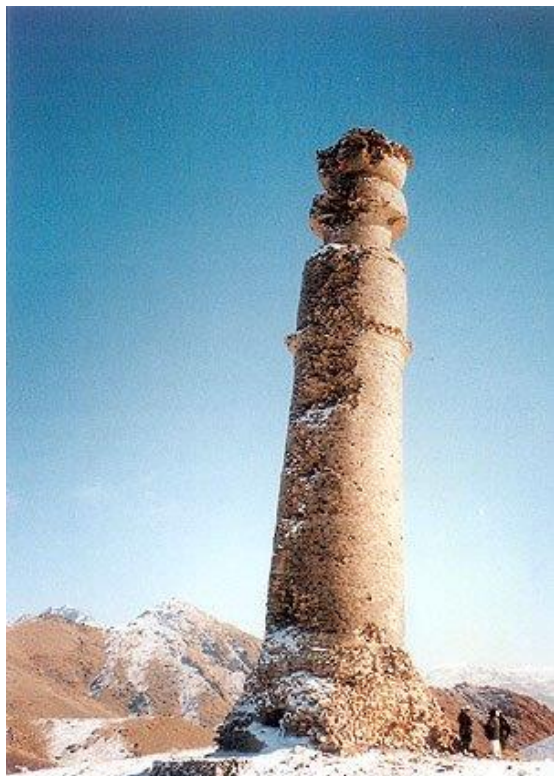
نکوکاری بازتاب و نتیجه ای دارد. این فکر در ادبیات ادوار اسلامی نیز در قالب اندرزهای اخلاقی و فلسفی دیده میشود. مانند این ابیات صائب:

مخند ای نوجوان زینهار بر موی سفید من
که این برف پریشان بر سر هر بام می‌بارد
وحضرت مولانا

گرچه دیوار افگند سایه دراز
باز گردد سوی او آن سایه باز
این جهان کوه است و فعل ما ندا
باز می آید بسوی ما صدا

و یا این شعر
تازه جوانی ز سر ریشخند
گفت به پیری که کمانت به چند
پیربخندید و بگفت ای جوان
چرخ ترا نیز دهد رایگان

بنا بر بینش فلسفی مکتب فکری مه‌ایانا گلبرگهای نیلوفر در حقیقت مظهر این چرخ اند و نکویی آن در آنست که بر ساقه یعنی محور وجودی خود استواری دارد. همچنان چکره‌ها در وجود انسان نشان‌یگاه نقاط فشار میان قوای مقنطیسی زمین و نیروی عظیم کائناتی بحساب می‌روند؛ و هرگاه در تعادل آیند باعث سلامتی بدن و روح می‌گردند. خصوصیات ساختمانی:



از نگاه ساختمانی منارچکری از سه بخش تشکیل یافته بود، تهداب، بدنه و تاجی که بر سر منار قرار داشت. تهداب منارچکری به اندازه ۸ متر در ۸ متر مسند مربع شکلی بود که بدنه مناره بران استواری داشت. ارتفاع مناره به ۲۸ متر رسید و ساختمانی در بخشهای بلند بدنه آن به شکل گلدسته مناره های ادوار اسلامی بچشم می‌خورد. چنانچه از سکیچ های قرن نهم برمی آید سرپای منارچکری بادقت هنگاف کاری گردیده بود و امکان داشت در اثر حوادث طبیعی بیوسد. ازینرو در سال ۱۹۲۳ در هنگام زمامداری شاه امان الله کوشش بعمل آمد تا ترمیماتی برای حفاظت منارچکری و سرخ منار که در سر اشیبی دامنه کوه موقعیت داشت صورت گیرد که به پایه تکمیل نرسید. اکنون از سرخ منار هیچ اثری بجا نمانده زیرا در اثر زلزله شدید سال ۱۹۶۵ بر زمین افتید و منهدم شد. در همین سال کوشش به عمل آمد تا با استوار ساختن منارچکری که در بین مردم محل به سیاه منار و گاهی هم بنام منار اسکندر یاد میشود، ترمیماتی صورت گیرد و از تخریب بیشتر آن جلوگیری گردد. در بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ در هنگام زمامداری سردار محمد داود کوشش های از طرف ریاست حفظ آثار تاریخی افغانستان به کمک باستانشناسان انگلیس به عمل آمد تا از فرو افتادن منار چکری ممانعت گردد که تاندازه زیادی در حفظ این اثر باستانی مؤثر افتاد.

از نگاه تزئینات معماری، سر تاپای منارچکری با هنگافکاری ظریفی پوشش یافته بود که سبک هلنیستیک یونان باختری داشت، اما قبل از انهدام آن که در سال ۱۹۹۸ اتفاق افتاد اکثر هنگافکاریها در اثر حوادث روزگار و عدم مراقبت درست فروپاشیده بود؛

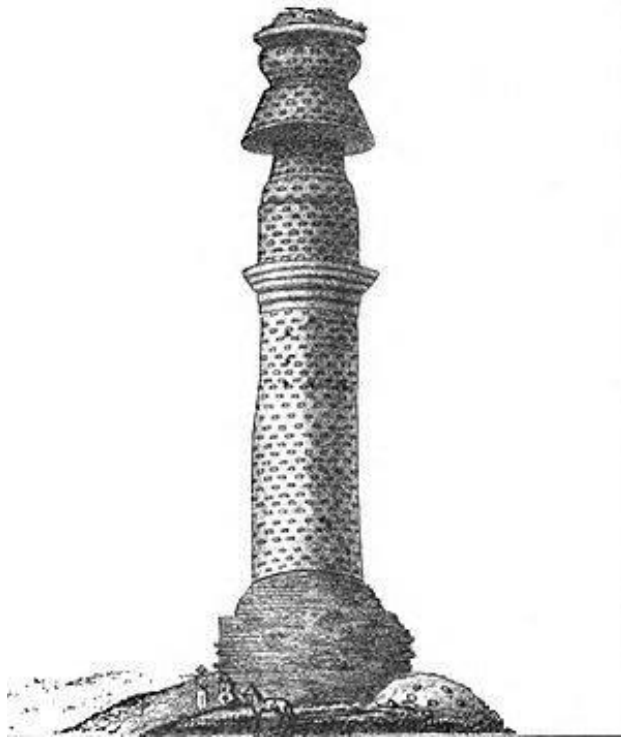
و اینست داستان غم انگیز مناریکه روزگاری مظهر تمدن شگوفا و با اعظمت افغانستان پار بود، اما ناشیانه از بین رفت.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



Column or Minâr Chakri.



د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ